بازداشت ۲۰ نفر اوباش در شوش

فرمانده انتظامی تهران بزرگ از اجرای ۹۳۷ عملیات برای پاکسازی مناطق جنوب تهران از وجود معتادان متجاهر خبر داد.

به گزارش سایت پلیس، سردار حسین رحیمی در حاشیه اجرای این طرح گفت: مناطقی که پاکسازی شده، بیش از ۳۰۰ هزار شهروند را در خود جای داده و این افراد در حال امرارمعاش و زندگی هستند. پارک‌هایی که به تفرجگاه مردم اهالی این مناطق تبدیل شده، زمانی محل جولانگاه معتادان بوده است.

رحیمی ادامه داد: در این طرح ۲۰ نفر از اراذل و اوباش و ۲۰۰ سارق معتاد متجاهر بازداشت و همچنین ۱۵۰ کیلوگرم از انواع مواد مخدر از خانه این افراد کشف شد.

رئیس قوه قضاییه شخصا به موضوع جمع‌آوری معتادان متجاهر و پاکسازی مناطق مورد تجمع این افراد ورود کرده و دستوراتی را ابلاغ کرد. حدود ۱۳۵ باب منزل که ۸۳ اتاقک دارد و محل مصرف مواد مخدر برای معتادان متجاهر است، پلمب شده است.

پشت صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با مرد افغان که به خاطر سرقت، زن ایرانی را کشت

همسرم تنها امیدم است

معصومه ملکی
حوادث

کامران که پا به ۳۲ سالگی گذاشته از هشت سال قبل به اتهام قتل یک زن ایرانی در بند ۳ زندان رجایی‌شهر کرج به سر می‌برد. او می‌گوید قاتل نیست و چون گوشی مقتول را خریده و از آن استفاده می‌کرده به عنوان قاتل در زندان است اما اعتراف‌های اولیه او در جلسات بازپرسی و بازسازی صحنه قتل و دیگر شواهد موجود در پرونده مهر تائید بر قاتل بودن او می‌زند. در پشت صحنه یک جنایت با مرد اعدامی درباره هشت سال زیر تیغ بودنش به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

بر اساس محتویات پرونده، شهین زن ۶۵ ساله تنهایی بود که اوایل مهر ۹۱ در محله شوش تهران به قتل رسید. فرزندانش وقتی موفق نشدند با او تلفنی حرف بزنند با پلیس تماس گرفتند و به کمک آنها و آتش‌نشان‌ها در خانه او را شکستند و بعد از ورود به خانه با جسد این زن که براثر خفگی به قتل رسیده بود روبه‌رو شدند. وسایل خانه‌اش بهم ریخته و پول و گوشی تلفن همراهش سرقت شده بود. در جریان تحقیقات پلیسی رد مردی افغان به دست آمد و او بعد از سه ماه فرار بازداشت شد. تحقیقات پلیس نشان می‌داد که او چندبار برای خرید و نظافت خانه مقتول به آنجا رفته و شب قتل اطراف آنجا دیده شده است. او بعد از اعتراف به سرقت منجر به قتل و بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد، اما در جریان محاکمه، قتل را منکر شد و قضات دادگاه با توجه به اسناد و مدارک پرونده حکم قصاص او را صادر کردند و در دیوان عالی کشور تائید شد. پرونده به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شده و او از ۸ سال پیش زیر تیغ مانده و منتظر حکم قصاص است.

اعدام هم‌بندی‌هایم را دیدم

در این سال‌ها که در زندان است، شاهد اجرای حکم قصاص هم‌بندی‌هایش بوده اما دیدن دوباره همسرش باعث شده امیدش را از دست ندهد و به آزادی امیدوار باشد.

کامران چرا به ایران آمدی؟

در افغانستان کارم کشاورزی بود اما به خاطر شرایط بد اقتصادی برای کار در ساختمان‌های نیمه‌کاره به ایران آمدم. در مدتی که در ایران بودم، بزرگ شدن دخترم را ندیدم، او بیمار شد و فوت کرد و آخرین لحظات کنارش نبودم و پشیمانم.

چرا زندانی شدی؟

قتل یک زن ایرانی و اکنون ۸ سال است که در بند ۳ زندان رجایی‌شهر کرج هستم. گوشی سرقت‌شده از مقتول را از مردی دستفروش در مولوی خریده و از آن استفاده می‌کردم. بعد از دستگیری اعتراف کردم اما وقتی محیط زندان را دیدم، نمی‌توانستم تحمل کنم و در دادگاه گفتم که قاتل نیستم و امیدوار بودم همه بیگناهی‌ام را باورکنند، اما مدارک موجود در پرونده مهر تائیدی برقاتل بودن من بود.

حکم قصاص گرفتی؟

بله. یکبار اعتراض کردم که حکم در دیوان شکست و دوباره که محاکمه شدم، باز هم حکم قصاص گرفتم.

وقتی فهمیدی قصاصت تائید شده چه حسی داشتی؟

یک روز از بلندگو صدایم زدند تا به واحد مددکاری بروم. برگه‌هایی را مقابلم گذاشتند و انگشت زدم، وقتی به سلولم بازگشتم برگه‌ها را دادم به یکی ازهم‌سلولی‌هایم. آن را خواند و گفت حکم قصاصم صادر شده است. روحیه‌ام را باختم و تا دو شبانه‌روز نمی‌توانستم آب و غذا بخوردم و کنج سلول نشسته و بیرون نمی‌رفتم. این حال و روزم تا چند ماه ادامه داشت.

با خانواده‌ات ملاقات کرده‌ای؟

چندبار با زنم تلفنی حرف زدم و یکبار در این هشت سال برادرم را دیدم. من جزو زندانی‌های بی‌ملاقاتی‌ام و در این سال‌ها علاوه بردلتنگی برای همسرم، برای دخترم و رفتن سر مزار او بی‌تابی می‌کنم. همسرم در این سال‌ها به من وفادار مانده و طلاق نگرفته و تنها امیدم به زندگی است.

شاهد اعدام همسلولی‌هایت بوده‌ای؟

بله. در بند ۳ زندان رجایی‌شهر هستم که همه زندانیان افغان در آنجا نگهداری می‌شوند و همه زیر تیغ هستند. آنها ایرانی یا هموطنان خود را به قتل رسانده‌اند. تعدادکمی از آنها رضایت گرفته‌اند و بیشتر شاهد اعدام‌شان بوده‌ام. در چند ماه اخیر نیز پنج نفرشان اعدام شدند و حالم بدتر شد. هربار از بلندگوی زندان نام اعدامی‌ها را برای اجرا می‌خوانند، منتظرم اسم مرا هم بخوانند تا برای اجرا بروم.

با خانواده مقتول ملاقات داشته‌ای؟

چندبار در صلح و سازش آنها را دیدم و خواستم مرا ببخشند که آنها فقط می‌پرسیدند، چرا مادرشان را کشتم.

روزهای زیر تیغ؟

خیلی سخت است. زمان‌های ماندن در زندان رنگش سیاه است و انگار نمی‌خواهد سفید شود. مرگ و زندگی‌ام به دست فرزندان مقتول است. از یک سال قبل با گوش‌دادن به آیه‌های قرآن توانسته‌ام هفت جزء قرآن را حفظ کنم. امیدوارم روزی برسد که ۳۰ جزء قرآن را حفظ کنم.

برخورد مسوولان زندان با زندانیان خارجی چطور است؟

ارتباط آنها با زندانیان خارجی مثل همه زندانیان است و بین ما و زندانیان ایرانی فرق نمی‌گذارند. ما می‌توانیم مثل بقیه زندانی‌ها ورزش کنیم، دارالقرآن و بخش‌های فرهنگی برویم و آنجا فعالیت داشته باشیم. هر وقت مشکلی برایمان در زندان رخ دهد، اجازه داریم نزد مسوولان آنجا برویم و از مشکلات خودمان بگوییم. ما مثل بقیه زندانیان ایرانی حق ملاقات هفتگی داریم و می‌توانیم تلفنی با خانواده‌یمان حرف بزنیم. علاوه بر آن واحد مددکاری و مشاوره زندان برای جلب‌رضایت شاکیان ما تلاش می‌کند. حتی اگر مسوول عالی‌رتبه قضایی برای بازدید از بخش‌های زندان بیاید از بند زندانیان قصاصی خارجی هم دیدن و با ما گفت‌وگو کرده و برای حل مشکلات‌مان اقدام می‌کند، اما برخی زندانیان ایرانی از ما خوششان نمی‌آید و با ما درگیر می‌شوند.

حرف آخر؟

امیدوارم بخشیده شوم و زنم را ببینم.

انکار، رافع مسوولیت کیفری نیست

ساسان غلامی
بازپرس دادسرای جنایی تهران

در میان پرونده‌های موجود در دادسراها، پرونده‌هایی وجود دارند که مرتکبین آن از اتباع افغان هستند. این مهاجران که اغلب غیرقانونی وارد کشور می‌شوند به اتهام ارتکاب جرایمی از جمله سرقت، زورگیری و قتل در زندان هستند. اتباعی که مرتکب قتل می‌شوند، انگیزه‌هایشان ناموسی، سرقت یا انتقام است. آنها وقتی در ایران مرتکب بزهکاری شوند، در دادگاه‌های ایران محاکمه و طبق قوانین قضایی کشورمان برای آنها حکم صادر می‌شود. باید گفت وقتی متهمی بازداشت می‌شود، اظهارات او در تمام مراحل تحقیق ثبت می‌شود و او صحنه قتل را بازسازی می‌کند که اگر مغایرتی وجود داشته باشد برای رفع آن اقدام می‌شود. حال این مجرمان در زندان یاد می‌گیرند که منکر جرمشان شوند. وقتی دلایل و مدارک برعلیه آنها باشد، انکار فایده‌ای ندارد و رافع مسوولیت‌شان نیست. قضات براساس دلایل موجود در پرونده حکم می‌دهند و این‌که در دادگاه در حالی که همه شواهد علیه متهم است او منکر شود، هیچ دلیلی برای رفع مسوولیت نخواهد بود.

خودکشی آقای بازیگر در لایو اینستاگرام

بازیگر جوان به صورت زنده در اینستاگرام قرص خورد تا به زندگی‌اش پایان دهد اما ساعتی بعد پشیمان شد و از آتش‌نشانی کمک خواست.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ظهر هجدهم شهریور امسال بازیگر ۴۰ ساله تئاتر، پستی در اینستاگرامش منتشر کرد و خواست ساعت ۱۲ شب شاهد لایو اینستاگرامی او از خودکشی‌اش باشند.

دوستانش به تصور این‌که این سناریو بخشی از نمایشنامه جدید اوست، موضوع را جدی نگرفتند.

ساعت ۱۲ شب تعدادی از دوستانش به صفحه او مراجعه کرده و شاهد لایو اینستاگرامی او بودند. آقای بازیگر ابتدا تصویری از ماه و بعد تصویری از خودش که درخودرویی نشسته بود را نشان داد و حرف‌هایی درباره مرگ و این‌که دیگر نمی‌خواهد در این زندگی باشد گفت و ارتباطش را قطع کرد. همه دوستانش نگران او بودند و حتی با پلیس و اورژانس تماس گرفتند و برای نجات وی کمک خواستند؛ اما معلوم نبود او کجاست و چه بلایی سرش آمده است. زمان کوتاهی از این ماجرا نگذشته بود که مردی با سازمان آتش‌نشانی لواسانات تماس گرفت و گفت که قرص خورده و در حال مرگ است. او چندبار با آتش‌نشانی تماس گرفت اما به درستی نمی‌گفت کجاست. اپراتور آتش‌نشانی شماره تلفن آن مرد را به مسوول شیفت آتش‌نشان‌ها داد که بعد از صحبت مشخص شد، این مرد در حوالی سد لتیان خودکشی کرده است. تیم امدادی راهی محل شده و مرد جوان به بیمارستان منتقل شد و از مرگ نجات یافت. هنوز معلوم نیست او با چه انگیزه‌ای دست به خودکشی زده و تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

همسرکشی مقابل چشمان دختر نوجوان

مردی که همسرش را مقابل چشمان دخترش به قتل رسانده بود در جلسه دادگاه منکر قتل شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، این مرد که حالا ۳۱ ساله است دو سال قبل در جریان یک درگیری خونبار با همسرش او را به قتل رساند و توسط ماموران دستگیر شد.

متهم که برای پاسخگویی در برابر اتهام قتل در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شده بود اتهام قتل را رد کرد اما دختر نوجوانش علیه او شهادت داد و گفت که دیده است ضربات چاقو را پدرش به گردن مادرش وارد کرده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بر اساس کیفرخواست پرونده، این مرد متهم است دو سال قبل همسرش را در یکی از باغات فرحزاد به قتل رسانده است. متهم این جنایت را مقابل چشمان دخترش انجام داد و در جلسه محاکمه که دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، نماینده دادستان گفت: فرزندان کبیر مقتول پدرشان را بخشیده‌اند و رئیس قوه‌قضاییه هم از طرف فرزند صغیر مقتول درخواست دیه کرده است.

سپس دختر مقتول در جایگاه قرار گرفت و گفت: پدرم مرد شکاکی بود و فکر می‌کرد مادرمان به او خیانت کرده است. حتی از مادرمان شکایت کرد و بعد رضایت داد. ما هیچ رفتار مشکوکی از مادرمان ندیده بودیم. روز قتل سر این موضوع درگیر شدند و مادرم تهدید کرد طلاق می‌گیرد. پدرم عصبانی شد و با چاقو ضربه‌ای به گردن او زد. با اورژانس تماس گرفتم اما وقتی امدادگران آمدند، گفتند ضربه عمیق بوده و نمی‌توان برای نجات جانش کاری کرد.

وقتی نوبت به متهم رسید، او اتهام قتل را رد کرد و گفت: ۱۴ ساله بودم که ازدواج کردم. همسرم دو سال از من کوچکتر بود. بعد از قتل همسرم، به تصور این‌که اگر اعتراف نکنم، دخترم را دستگیر می‌کنند، قتل را قبول کردم. من در جریان درگیری با همسرم ضربه‌ای با چاقو به دستش زدم اما ضربه به گردن را من نزدم.

در ادامه وکیل متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: موکلم با ادعای مهدورالدمی همسرش را کشته و شکایتش این موضوع را تائید می‌کند به همین خاطر درخواست برائت او را دارم.

بعد از گفته‌های متهم و وکیل‌مدافع او هیات قضات برای تصمیم‌گیری دراین‌خصوص وارد شور شدند.

قتل برای فرار از شهادت در دادگاه

پسر جوان برای فرار از شهادت دادن در پرونده درگیری، مرتکب قتل شد. پرونده این جنایت برای رسیدگی به دادگاه کیفری تهران فرستاده شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، فرشید ۳۰ ساله متهم است شامگاه بیست و چهارم اردیبهشت سال گذشته، در جریان درگیری خیابانی در محله دخانیات تهران، پسر جوانی را با دو ضربه چاقو که به گردن و سینه وی زده، به قتل رسانده است. سه نفر از دوستان وی که در آن دعوا شرکت داشتند دستگیر و با اعتراف آنها فرشید تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بعد از چند روز بازداشت و با بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد.

همدستان وی با سپردن وثیقه تا روز دادگاه از زندان آزاد شدند، اما فرشید به خاطر قتلی که انجام داده بود، همچنان در زندان مانده بود. او با گذشت ۱۴ ماه از این جنایت، برای شرکت در آخرین جلسه تحقیقات قضایی از زندان نزد مصطفی واحدی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و با اعتراف به قتل پسر جوان گفت: نمی‌خواستم او کشته شود و ناخواسته باعث مرگ او شدم.

چند روز قبل از درگیری ناخواسته، همراه دوستانم به یکی از بوستان‌های محل رفته بودیم. در آنجا مقتول و دوستانش با چند پسر جوان به خاطر چشم تو چشم شدن درگیر شدند و کارشان به زد و خورد کشیده شد. من و دوستانم سعی کردیم آنها را از هم جدا کنیم که نشد و طرفین درگیری بعد از آن‌که فهمیدند خودروی گشت پلیس در حال نزدیك شدن به محل است، فرار کرده و رفتند. شب جنایت با دوستانم در خیابان بودیم که مقتول و دوستانش را به طور اتفاقی در خیابان دیدیم. او نزدم آمد و گفت شما همان فردی هستی که شب دعوا در پارک، ما را دیدید. قصد شکایت از مهاجمان آن شب را داریم و از من خواست همراه او به کلانتری رفته و شهادت دهم که دعوا را دیده‌ام.

متهم به قتل گفت: نمی‌خواستم با شهادت دادن به دردسر بیفتم، اما دست‌بردار نبود و همین باعث درگیری شد. برای ترساندن او به طرفش چاقو انداختم که باعث زخمی شدنش شد. پسر جوان در بیمارستان فوت کرد و من به اتهام قتل دستگیر شدم.

با توجه به درخواست قصاص اولیای دم، پرونده با صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه کیفری یك استان تهران فرستاده شد.

اسیدپاشی پس از درخواست طلاق

مرد شیشه‌ای وقتی فهمید همسرش تصمیم به طلاق گرفته، او را قربانی اسیدپاشی کرد. تحقیقات پلیس برای دستگیری مرد اسیدپاش ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۸ صبح هفدهم شهریور امسال، زن ۳۳ ساله‌ای از خانه‌اش در حوالی محله پیروزی بیرون رفت تا با خودروی عبوری به محل کارش برود. پس از طی مسافتی با شوهرش روبه‌رو شد. با دیدن شوهرش ترس وجودش را گرفت، آنها از مدتی قبل با هم اختلاف داشتند. مرد یك بطری در دست داشت که در آن را باز کرد و محتویاتش را روی سر و صورت همسرش ریخت.

زن جوان به‌سختی خود را مقابل خانه‌ای رساند و بعد از زدن زنگ خانه بیهوش شد. زن صاحبخانه بعد از دیدن زن زخمی با اورژانس و پلیس تماس گرفت و درخواست کمك کرد. با حضور نیروهای امدادی و اورژانس در محل، قربانی اسیدپاشی به بیمارستان مطهری تهران منتقل و تحت درمان قرار گرفت.

ماموران برای بررسی ماجرا در بیمارستان حاضر شدند و ساعاتی بعد وقتی زن جوان که قربانی اسیدپاشی شده بود، به هوش آمد از او تحقیق کردند. زن ۳۳ ساله در جریان تحقیقات پلیسی گفت: کارمند یك شرکت خصوصی‌ام، لیسانس حقوق دارم و چند سال است که ازدواج کردم. اما شوهرم گرفتار اعتیاد شده و هر کاری کردم، شیشه را ترك نکرد. او مدام با من بدرفتاری می‌کرد، آسایش زندگی را از من گرفته بود.

وی افزود: چند بار قهر کرده و نزد خانواده‌ام رفتم تا شاید این شرایط بهتر شود و اعتیادش را ترك کند که بی‌فایده بود و با میانجیگیری خانواده‌ها، به زندگی با او ادامه دادم. اما دیگر نمی‌توانستم با این شرایط سخت کنار بیایم و درخواست طلاق دادم. شوهرم وقتی متوجه شد درخواست طلاق داده‌ام، حاضر به جدایی نشد و مدام می‌گفت اگر طلاق بگیرم، بلایی سرم می‌آورد. صبح حادثه از خانه بیرون آمدم تا به محل کارم بروم که یکدفعه شوهرم از پشت خودروهای پارك شده و در حالی که بطری‌ای به دست داشت، بیرون آمد. او تهدیدم کرد که باید به دادگاه خانواده بروم و شکایت طلاقم را پس بگیرم. من مات و مبهوت مانده بودم و از او خواستم رهایم کند و اجازه بدهد که به محل کارم بروم، اما ناگهان در بطری‌ای که همراه داشت را باز کرد محتویات آن را به صورت و سمت راست بدنم پاشید.

با اظهارات شاکی، پرونده‌ای نزد احسان زمانی، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و مرد اسیدپاش تحت تعقیب ماموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. این در حالی است که قربانی اسیدپاشی در بیمارستان بستری است.

تلنگر

فروش یوروهای جعلی در فضای مجازی

اعضای باند حرفه‌ای که یوروهای جعلی را در فضای مجازی آگهی کرده و می‌فروختند در تهران دستگیر شدند.

به گزارش جام‌جم، اوایل تیر امسال مرد جوانی با مراجعه به دادسرای ناحیه ۳ تهران از شخصی به نام فرشاد بابت فروش یوروی جعلی شکایت کرد. شاکی در تحقیقات اظهار کرد: برای تهیه ارز با کانال تلگرامی‌ای که در آن آگهی فروش یورو به مبلغ ۲۱ هزار و ۷۰۰ تومان بود، آشنا شدم. فروشنده خود را فرشاد معرفی کرد و پس از توافق قرار شد ۱۵ هزار یورو برایم بیاورد. فرشاد همراه سه مرد جوان، یوروها را برایم آوردند که پس از شمارش، ۳۲۸ میلیون تومان طی چند مرحله عملیات بانکی به حساب او پرداخت کردم. برای این‌که از اصالت اسکناس‌ها مطمئن شوم به صرافی مراجعه کرده و فهمیدم یوروها جعلی هستند و فرشاد کلاهبرداری کرده است.

با شروع تحقیقات در پلیس آگاهی، مشخص شد فرشاد از کلاهبرداران سابقه‌دار است که در ادامه او همراه پنج عضو باندش دستگیر شدند و از مخفیگاه متهمان ۵۳ قطعه اسکناس جعلی ۵۰۰ یورویی کشف و توقیف شد.

فرشاد در تحقیقات گفت: اسکناس‌های جعلی یورو را از طریق شخصی ناشناس از کشورهای همسایه برایم آورده‌اند و من هم با نشر آگهی در کانال‌های تلگرامی اقدام به فروش یوروهای جعلی با همدستانم کرده و پول را بین خودمان تقسیم کرده‌ایم.

مجبور کردن بچه ۳ ساله به مصرف مواد مخدر

پدری برای شوخی و سرگرمی پسر سه‌ساله‌اش را مجبور به مصرف مواد کرده و با تهیه فیلم از وی، آن را در فضای مجازی منتشر می‌کرد.

کلیپی در فضای مجازی منتشر و در حال دست به دست شدن میان کاربران بود که نشان می‌داد، فردی پسر سه‌ساله‌ای را مجبور می‌کند موادمخدر مصرف کند.

پخش این کلیپ باعث جریحه‌دار شدن احساسات عمومی و واکنش کاربران به انتشار آن شده بود که پلیس فتا تحقیقات در این باره را آغاز کرد. همچنین محل سکونت متهم در یکی از استان‌های کشور مشخص و در آنجا بازداشت شد. این متهم که پدر کودك سه‌ساله بود، در جریان تحقیقات انگیزه‌اش از این عمل را شوخی و سرگرمی در جمع خانوادگی اعلام و اقرار کرد که هرگز تصور نمی‌کردم این کلیپ که توسط یکی از اعضای خانواده تهیه و در فضای مجازی منتشر شده، واکنش منفی کاربران را به همراه داشته باشد.

قتل پدربزرگ با طناب

پلیس آگاهی شهرستان زابل عاملان قتل مرد ۷۵ ساله را در کمتر از ۴۸ ساعت شناسایی و بازداشت کرد.

جسد مرد سالخورده در خانه‌ای در یکی از محله‌های زابل کشف شد. او براثر خفگی به قتل رسیده‌بود. درجریان تحقیقات معلوم شد او با نوه ۱۷ ساله‌اش اختلاف‌هایی داشته و نیز علاوه بر آن با مستاجر ۲۲ ساله خود برسر کرایه‌خانه اختلاف و درگیری داشته‌است. این دو نفر به عنوان تنها مظنون‌های قتل بازداشت شدند. آنها اعتراف کردند به دلیل اختلافات موجود با انداختن یک طناب دور گردن وی قصد ترساندن را داشته‌اند که با مقاومت پیرمرد رو به‌رو شده و او را کشته‌اند.

مامور فداکار زندگی بخشید

اعضای بدن مامور وظیفه‌شناس یگان ویژه که در تصادف مرگ مغزی شده بود به شش بیمار زندگی بخشید.

استواریکم سید احمدرضا حسینی از کارکنان یگان ویژه استان فارس در بازگشت از محل خدمت در اثر تصادف دچار ضربه مغزی و در بیمارستان بستری شد. در ادامه خانواده این مامور فداکار در اقدامی نیکوکارانه اعضای بدن او را به شش بیمار اهدا کردند. از این مامور وظیفه‌شناس یک پسر چهار ساله به یادگار مانده است.